



چهل منزل با



«مقتل»

تحقيق و تاليف: حجت الاسلام دكتور علي اكبر رنجبران

با نظارت حجت الاسلام والمسلمين دكتور رسول جعفریان

ادبیات عاشورایی / ۱۵



مجمع فرهنگی عاشورا

سرشناسه: رنجبران تهرانی، علی اکبر، ۱۳۵۶ -
 عنوان و نام پدیدآور: چهل منزل با حسین (ع)، مقتل / تحقیق و تألیف: علی اکبر رنجبران
 مشخصات نشر: تهران: مجتمع فرهنگی عاشورا، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ۲۸۲ ص: مصور (بخشی رنگی).
 فروستد ادبیات عاشورایی: ۱۵.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۰۰۱-۹-۱-۱۵۰۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی: فیا
 یادداشت: فارسی-عربی
 یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس
 موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم، ۴ - ۶۱ ق
 موضوع: واقعه ی کربلا، ۶۱ ق
 رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ج ۹ ۸۱۷۶ / ۸۱۵ / BP۴
 رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵۳۴
 شماره ی کتابشناسی ملی: ۳۰۱۹۸۵۲



چهل منزل با حسین (ع) / «المقتل» - ادبیات عاشورایی / ۱۵
 تحقیق و تألیف: حجت الاسلام دکتر علی اکبر رنجبران تهرانی

ناظر و کارشناس: حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان
 مشاور ناشر: دکتر محمد رضا سنگری
 مدیر اجرایی، ویرایش، آماده سازی و نظارت بر نشر: محمد قاسم فروغی جهرمی

ناظر ترجمه: اصغر علی کرمی

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

طراح جلد: سید ایمان نوری نجفی

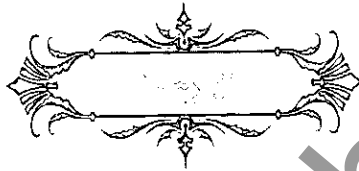
قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال

ناشر: مجتمع فرهنگی عاشورا

تهران: خیابان کریم خان - خیابان نجات الهی - خیابان شهید لیاقت - شماره ی ۱۵ - تلفن: ۸۸۸۹۶۸۷۶

مرکز پخش - پکتا: تهران - خ انقلاب - بین ایوریحان و فلسطین - بن بست سروش - پ ۴ - تلفن: ۶۶۹۷۳۲۰۳

Email: rohe1sepah@yahoo.com



- مقدمه‌ی ناشر / محمد قاسم فروغی جهرمی ۱۳
- پیشگفتار / حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول حقیریان ۱۳
- مقدمه‌ی نویسنده ۱۷
- گذری اجمالی بر تاریخ مقتل نگاری شیعه ۲۱
- اولین نگاشته‌های حوادث کربلا / دوره‌ی اول ۲۱
- دوره‌ی دوم تاریخ نویسی عاشورا ۲۴
- دوره‌ی سوم تاریخ نگاری عاشورا ۲۶
- اصل حاکم بر حوادث کربلا ۳۴
- روش وقایع نگاری این کتاب ۳۸

چهل منزل با حسین (ع)

الاربعون منزلا فی رحاب الحسین (ع) / از بهشت تا بقیع ۴۱

منزل اول:

اولین مرثیه و اولین مرثیه‌خوان ۴۳



منزل دوم:

۴۹ خروج از مدینه‌ی منوره و مکه‌ی مکرمه

منزل سوم:

۶۳ مقتل مسلم بن عقیل و جناب هانی بن عروه

منزل چهارم:

۷۹ در مسیر کوفه و ورود به کربلا

منزل پنجم:

۹۱ بستن آب به روی امام حسین (ع) و اصحابش

منزل ششم:

۹۷ وداع شب عاشورا

منزل هفتم:

۱۰۳ آزمایش اصحاب

منزل هشتم:

۱۰۹ امان نامه

منزل نهم:

۱۱۳ آغاز جنگ و مقتل جناب حرب بن یزید ریاحی

منزل دهم:

۱۲۱ مقتل حضرت علی اکبر (ع)

منزل یازدهم:

۱۲۷ مقتل فرزندان حضرت زینب (س)

منزل دوازدهم:

۱۲۹ مقتل حضرت قاسم بن الحسن (ع)

منزل سیزدهم:

۱۳۳ مقتل حضرت عباس (ع)



منزل چهاردهم:

۱۴۳ مقتل حضرت علی اصغر (ع)

منزل پانزدهم:

۱۴۷ وداع امام حسین (ع) در عصر عاشورا

منزل شانزدهم:

۱۵۱ غربت و غمش امام حسین (ع) در عصر عاشورا

منزل هفدهم:

۱۵۷ مقتل حضرت عبداللہ بن حسن (ع)

منزل هجدهم:

۱۶۱ مقتل امام حسین (ع)

منزل نوزدهم:

۱۶۹ حمله به حرم و غارت خیمه‌ها بعد از شهادت امام (ع)

منزل بیستم:

۱۷۳ حمله به زنان حرم امام حسین (ع)

منزل بیست و یکم:

۱۷۷ غارت بدن مطهر امام حسین (ع)

منزل بیست و دوم:

۱۸۱ جنایت ساریان امام حسین (ع) و غارت او

منزل بیست و سوم:

۱۸۹ عبور عترت امام حسین (ع) از کنار مقتل شهدا

منزل بیست و چهارم:

۱۹۵ ورود اسرا به شهر کوفه

منزل بیست و پنجم:

۲۰۱ خطبه‌ی حضرت زینب (س) در کوفه



.....چهل منزل با حسین (ع)

منزل بیست و ششم:

خطبه‌ی فاطمه‌ی صغری (ع) در کوفه بعد از خطبه‌ی حضرت زینب (س) ۲۰۵

منزل بیست و هفتم:

خطبه‌ی حضرت ام‌کلثوم (س) در کوفه بعد از خطبه‌ی فاطمه‌ی صغری (س) ۲۱۱

منزل بیست و هشتم:

خطبه‌ی امام زین‌العابدین (ع) در کوفه بعد از خطبه‌ی ام‌کلثوم (س) ۲۱۳

منزل بیست و نهم:

دفاع حضرت زینب (ع) از امام زین‌العابدین (ع) ۲۱۷

منزل سی‌ام:

چوب خیزران بر دادن‌های مبارک امام حسین (ع) ۲۲۱

منزل سی و یکم:

سر مطهر امام حسین (ع) در صومعه‌ی راهب ۲۲۷

منزل سی و دوم:

دروازه‌ی شام ۲۳۳

منزل سی و سوم:

جسارت به ساحت فاطمه دختر امام حسین (ع) ۲۳۷

منزل سی و چهارم:

خطبه‌ی حضرت زینب (س) در مجلس یزید ۲۴۱

منزل سی و پنجم:

خطبه‌ی امام زین‌العابدین (ع) در مجلس شام ۲۴۹

منزل سی و ششم:

مقتل حضرت رقیه (س) ۲۵۵

منزل سی و هفتم:

زیارت جابر در روز اربعین ۲۵۹



منزل سی و هشتم:

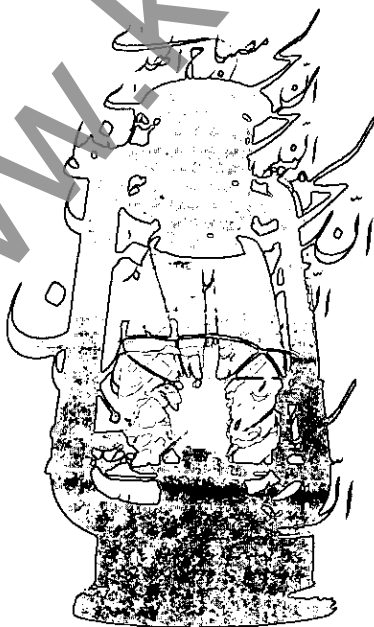
بازگشت به مدینه ۲۶۵

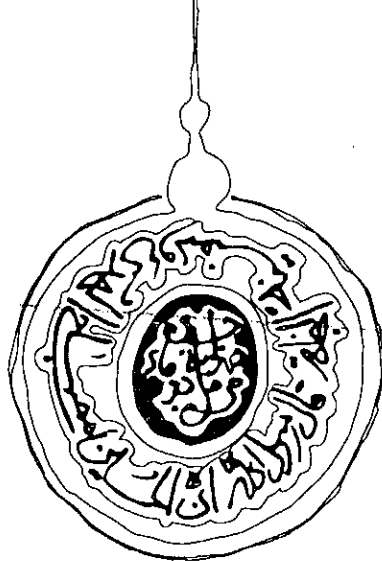
منزل سی و نهم:

حزن دایم امام سجّاد(ع) و اهل بیت(ع) ۲۷۵

منزل چهل:

نوحه های جان سوز ام البنین(س) ۲۷۹





مقدمه‌ی ناشر

محمد قاسم فروغی جهرمی

از سر کوی نور خیز کاوش به ملامت برود
نرود کارش و آخر به محالیت برود
سالک از نور هدایت ببرد راه به دوست
که به جایی نرسد گریه ضلالت برود
حکم مستوری و مستی همه در عاقبت است
کس ندانست که آخر به چه حالت برود

شکوه و جلال عاشورا آفتاب جاودان عظمت کاروانی است که به هدایت و راهنمایی سر سلسله جنیان شاهدان عالم و حسن واقعی - حضرت ابا عبدالله الحسین (ع) - بر جریده‌ی عالم ثبت گردیده، تا قامت مشوق را در صحیفه‌ی قلب‌های مشتاقان حقیقت در همیشه‌ی تاریخ پایدار و زنده نگاه دارد، و این حماسه‌ی فراخند و عصیت عظمی در تاریخ نمونه‌ای است که نظیر آن را خداوند تا قیام قیامت تکرار نخواهد کرد.

حسین (ع)، نامی است که نوع بشر از آدم تا خاتم و تا روز واقعه به خود ندیده و نخواهد دید؛ سفینه‌ای است که هر رهرو تشنه‌ی حکمت و عرفان را به اشارتی همراه می‌کند تا سفری عاشقانه و الی الله را آغاز نماید؛ که در این صورت توفیق کسب سعادت ابدی و اقبال الهی در وصل به کمند زلف یار در جوار خورشید فراهم شود.

در این وادی غبن و باختن نیست، هر آن چه نصیب شود، پیچ و تاب گیسوی یار است و حب الله المتین؛ استخاره در این سیل جایی ندارد و اراده می‌تواند در سیر و سلوک خود درس معرفت و آگاهی را در حد کمال و نهایت‌اش در هر رهروی



متجلی سازد تا به همت بلند حسینی، سر به آستان ربوبی ساید و چهره را در برابر دوست رنگین و نورانی نماید

همیشه کلام و قلم در وصف واژه‌های حسین(ع)، عاشورا و کربلا در می‌ماند و از حرکت باز می‌ایستد.

مجموعه‌های مقاتل و جان‌گذا نامه‌های حسین(ع) که شرح سیر و سلوک عاشقانه‌ی میدان‌داری عشق در عرصه‌ی جهاد فی سبیل الله برای لقای محبوب و کسب عزت و نفی ذلت است، در طول سده‌های پیشین، هر یک به دست رهروی صدیق و یویندگان فرهنگ و ارزش‌های عاشورایی نگاشته شده که در بردارنده‌ی جلوه‌های کوچکی است از آن چه در آن يوم الله و واقعه‌ی عظیم حادث گردیده و بازگو کننده‌ی مختصری است از صحنه‌های عشق‌بازی حقیقی معشوق با عاشق در نهایت درجه‌ی آن و بشکوه‌ترین جلوه‌های تحقق آن در هستی جهان؛ که خداوند منان در صحیفه‌ی عالم حادث گردانده است.

در جهت سیر تدوین این آثار تاکنون بسیار سخن‌ها رفته و قلم‌ها زده شده، اما هنوز بسیاری از حقایق و مواقع جان‌گذا و همچنین کم و کیف آن بیان نگردیده، یا به به قلم، شرح داده نشده و یا مورد نقد و ارزیابی جامع و مبسوط قرار نگرفته است؛ و اینک ما به ضرورت بهره‌مند شدن بهتر از همین مجموعه‌های پرشور و در جهت اطمینان بیشتر از مطالب این آثار و برای کسب فیض از آن واقعه‌ی عظمی، با مطالعه‌ی تمامی مقاتل موجود در مدت چند سال و گزینش مطالبی از این مجلدها، مجموعه‌ای را به همت پژوهشگر موفق جناب حجت الاسلام دکتر علی اکبر رنجیران تهرانی تدارک دیده‌ایم که به دوستان، علاقمندان و میلان فرهنگ حسینی که همراه تعالی این باورها را ترویج و دین‌باوران را در این مسیر هدایت و راهنمون می‌شوند، تقدیم می‌داریم.

در این مجال به سبب تلاش والای ایشان در تدوین این اثر ارزشمند، سپاس‌گزاری نموده و مخاطبان عزیز و علاقمندان گرامی را نیز با این تحفه‌ی ارزشمند تکریم می‌کنیم. امید که این اثر ارزشمند در جایگاه خود بنشیند و عزیزان منتفع از این اثر، در حق عوامل و دست‌اندرکاران این کتاب دعای خیر نموده و برای غنای فرهنگ عاشورا و نشر و ترویج آن در نسل‌های امروز و فردا بیش از پیش تلاش نمایند.

از همکاری صمیمانه و مخلصانه‌ی دانشمند و محقق ارزشمند جناب حجت الاسلام و المسلمین دکتر رسول جعفریان - که به حق گنجینه‌ی بزرگ فرهنگ دینی کشور و محل ارجاع پژوهشگران و محققان دینی کشور می‌باشند - متواضعانه سپاس‌گزاریم که با حوصله و دقت نظر بسیار، مطالب کتاب را در چند نوبت مطالعه و راهنمایی‌هایی لازم را در هر مورد مبذول فرموده و مقدمه‌ای وزین و گرانسنگ نیز بر این اثر نگاشتند؛ و همچنین از عزیز بزرگوار استاد دکتر محمدرضا سنگری که زحمت مشاوره و راهنمایی همه‌جانبه را در تمامی آثار منتشره‌ی ناشر به عهده دارند، و جناب آقای اصغر علی کرمی که با نهایت دقت بر ترجمه‌های مطالب نظارت داشته‌اند، قدردانی نموده، آرزوی توفیق روزا فزون برای تمامی این عزیزان ارجمند و سایر خادمان فرهنگ حسینی و عاشورایی باوران را از خداوند منان مسألت داریم.





حجت الاسلام والمسلمین دکتر رسول جعفریان

بسم الله الرحمن الرحيم

رویداد کربلا یک مصیبت به تمام معنا بود، مصیبتی برای اهالی آسمان و زمین؛ مصیبتی که در نوع خود بی مانند بود و لذا در اخبار هم آمده است که فرشتگان و انبیاء همه برای آن حضرت مجلس سوگواری برپا کردند و گریستند.

از سوی دیگر، این مصیبت که برای فرزند بلکه فرزندان پیامبر (ص) رخ داد، یک سرشکستگی تمام عیار برای مدعیان اسلام‌داری هم بود، امویانی که در اقصا نقاط فتوحات می‌کردند و اسلام را خسرش می‌دادند، در دل سرزمین‌های اسلامی، فرزند پیامبر (ص) را کشتند. آنها نشان دادند که تمام این رفتارها که به ظاهر بزرگ و برای اسلام بود، تنها برای بزرگ کردن دنیای خودشان و نوعی ریاکاری بوده و هیچ گاه بیت خالصانه‌ای در آنها نداشتند.

... و بنابراین شیعه حق داشت که تلاش کند یاد و خاطره‌ی این رویداد را حفظ کند و علاوه بر همراهی با انبیاء و فرشتگان الهی در سوگواری برای حسین (ع)، آن را به عنوان یک درس، یک عبرت، یک حادثه‌ی مهم که عمق دناوت و پستی امویان و هواداران آنها را نشان می‌دهد، حفظ کند.

در این میان بسیاری از مورخان اهل سنت که اهل بیت دوست بودند، در این زمینه همراهی کردند و متونی



را برای پاسداری از حرمت امام حسین (ع) نوشتند و در جهت ثبت تاریخ کربلا تلاش کردند. اکنون که کاوشگری به نظاره‌ی مکتوبات عاشورایی در طول تاریخ می‌نشیند، حتی با یک نگاه بود مختصر، در می‌یابد که دایره‌ی این معارف تا چه اندازه گسترده و قابل اعتناست.

اگر تأثیر این معارف در جامعه‌ی اسلامی به خصوص شیعی هم در نظر گرفته شده و بر آن افزوده شود، به راحتی «معارف حسین» می‌تواند به عنوان یک گرایش علمی مهم در حوزه‌ی تاریخ‌نگاری اسلامی طرح شده و مراکز دانشگاهی در بخش تاریخ، قسمتی را به تربیت محققان و تولید دانش در این زمینه اختصاص دهند.

این میراث در شکل‌ها و قالب‌های مختلفی نوشته شده و هر کدام در چهارچوب دانش تاریخ زمانه‌ی خود، و نیز متأثر از فضای مذهبی و همین‌طور ادبی رایج شکل گرفته است. طبیعی است که جز این هم نمی‌توانسته باشد. مورخی که در شرایط تاریخ نویسی قرن سوم و چهارم بوده، الزاماً می‌بایست اثری می‌نوشته که در آن روزگار نزد عالمان و محققان و همین‌طور طبقه‌ی فرهیخته‌ی جامعه که با آثار بلند مرتبه‌ی تاریخی سروکار داشتند، مقبول باشد.

به مرور زمان، فضای علمی در دنیای اسلام تنگ شد و آثار تألیف شده در همه‌ی حوزه‌ها از جمله تاریخ و همین‌طور تاریخ کربلا، به سست‌نویسی گرایید. این رویه در سراسر شرق اسلامی به ویژه خراسان و مرکز ایران سبب شد تا آن‌چه به عنوان تاریخ اسلام طی قرن‌های هفتم تا دهم تولید شد، فاقد ارزش علمی و پژوهشی باشد.

در همین فضا، نگاشته‌های فراوان در حوزه‌ی تاریخ اسلامی، به جز آن که استمرار نوشته‌های تاریخی اصیل باشد، متأثر از جریان‌های خاص و برخی از کتاب‌های ویژه بود. کتاب‌هایی که دستمایه‌های داستانی داشت و مقبولیت عامه را بیش از کتب علمی، با خود همراه کرده بود.

از یک نکته‌ی دیگر هم نباید غفلت کرد که در روزگاری که تصوف جهان اسلام را تحت سیطره‌ی خود درآورد، نگرش‌های خاص صوفیانه و زاهدانه، بر تمام علوم اسلامی، به ویژه علوم ادبی و تاریخی و حتی فلسفی غلبه داد. اگر روزگاری تراجم و شرح حال، سعی می‌کرد به مسائل واقعی در زندگی اشخاص بپردازد، به تدریج، ذکر کرامات و داستان‌های شگفت و اخبار غیر منتظره که جذابیت هم داشت، جای آنها را گرفت. پدید آمدن زندگی‌نامه نویسی مشایخ صوفیه که نمونه‌اش تذکره‌الاولیای عطار است، منهای جنبه‌های ادبی و فرهنگی آن، سبب شد تا همه به این سمت و سو بروند که در تاریخ نویسی باید این ملاحظات را داشته باشند. وقتی یک شیخ صوفی یک لاقبا آن همه کرامات و معجزه دارد، چطور پیغامبران و امامان (ع) نباید زندگی‌شان سراسر شگفتی باشد؟



به هر روی غلبه‌ی این ادبیات در سراسر ایران و باز هم به ویژه در خراسان - که مهد تصوف و زندگی‌نامه نویسی عرفانی بود - چنان که مثلاً در طبقات الصوفیه سلمی شاهدیم، ادبیات عاشورایی هم در همان نیاش در آمد و متأسفانه منشأ تغییر در نوع نگاه به این حرکت اصیل تاریخی و حماسه‌ی دینی شد. با تشکیل دولت صفویه، معارف شیعی فرصت تدوین مجدد یافتند و در هر زمینه، به خصوص فقه و حدیث، کارهای شایسته‌ای انجام شد. در کنار آن فلسفه نیز رشد داشت، اما علم کلام در سایه‌ی فلسفه‌ی صهرایی به تدریج کم اهمیت شد.

و اما علم تاریخ، به خصوص تاریخ اسلام یک آسیب جدی دیده بود و آن این بود که منابع اصلی آن که آثار کهن تدوین شد در قرن اوایل بود، از دسترس خارج شده بودند. پس از حمله‌ی مغول، این آثار یا از میان رفت و یا آن که به مصر و شام انتقال پیدا کرد. بنابراین در شرق اسلامی نزدیک - شامل ایران و خراسان - آثار بسیار اندکی از تواریخ قدیم ماند؛ در نتیجه به همان نوشته‌های عمومی تاریخی که میراث قرن‌های هفتم تا دهم بود، تکیه شد. البته از میراث حدیثی شیعه، آنچه تاریخی بود، به علم تاریخ اسلامی شیعی افزوده شد.

در عین حال باید گفت، مشکلات دیگری در این دوره پدید آمد؛ جوامع شیعی مستقل شدند و تعاملشان را با جهان بیرون از خود قطع کردند.

این درون گرایی سبب شد تا فقط گوش آنها یک روایت را بشنود و این روایت هم برای داشتن جذابیت بیشتر در میان توده‌های شیعه، به تدریج به سمت و سوی داستانی شدن پیش برود. آثاری که در این دوره تألیف شد، تحت تأثیر سه عامل:

الف: از میان رفتن متون تاریخی کهن،

ب: ضعیف شدن امر پژوهش و خلاقیت در تاریخ نویسی اسلامی،

ج: غلبه‌ی نگرش‌های درون گرایانه و طبعاً عوام زده سبب شد تا ارزش چندانی نداشته باشد.

این آثار برای این که تازگی‌اش را حفظ کند و اثرش روی عوام بیشتر باشد، مدام به سمت داستانی شدن، جعل اخبار نادرست و تلفیق با بسیاری از مسائل عاطفی و احساسی پیش رفت.

شعبه‌ای از ادبیات عاشورایی که متون تعزیه بود و از اوایل دوره‌ی زندیه در ایران اوج گرفت، به طور دربست ادبی - داستانی شد. می‌دانیم که متون تعزیه فقط تاریخ عاشورا نیستند، بلکه بسیاری از رویدادهای تاریخ اسلام و زندگی ائمه هستند و همگی آنها همین گرایش ادبی - داستانی را دارند.

این میراث - تعزیه - ارزش ادبی خاص خود را دارد، اما در حاشیه‌ی تاریخ، به واقع گرایی آن لطمه می‌زند.



با این حال نباید تصور کنیم که در عرصه‌ی دین و تاریخ، رادمردانی نبودند که دفاع از اصالت تاریخ را سرلوحه‌ی کار خود قرار ندهند.

در اواخر قاجاریه، حرکت نوینی در این جهت آغاز شد و آثاری در نقد متون داستانی و کتاب‌هایی که مشتمل بر جعلیات بود، نوشته شد. بعدها با برآمدن مشروطه، تقویت دانش نقادی و جدی‌تر شدن علم تاریخ، زمینه برای پژوهش در حوادث و تاریخ عاشورا بیشتر و بیشتر شد، به طوری که در دهه‌ی ۱۳۲۰ شمسی نگاه به عاشورا به عنوان یک واقعه‌ی تاریخی که می‌باید از دید تاریخی مورد توجه باشد و عبرت‌های لازم از آن گرفته شود، بیشتر و جدی‌تر شد. چندین اثر خوب درباره‌ی عاشورا در دوره‌ی پهلوی توسط نویسندگان حوزوی و غیر حوزوی نوشته شد. همه‌ی آنها نوید نوعی پیرایش متون عاشورایی را از یک طرف و تقویت امر پژوهش و تحقیق در آن را می‌داد.

استاد مطهری، استاد شهیدی، شهید هاشمی نژاد، مرحوم آیتی و شماری دیگر در این زمینه تلاش‌های جدی و قابل تأملی داشتند؛ که یکی از آثار این نگاه، تأثیری بود که در مسیر انقلاب اسلامی داشت.

... و اکنون همچنان این راه باید با جدیت دنبال شود و اجازه‌ی بازگشت به دوره‌ای که داستان‌ها غلبه داشته، داده نشود.

جذابیت این بحث‌ها، مقبولیت آنها نزد مردم و دور بودن بسیاری از مردم با معارف اصیل تاریخی و اسلامی، شرایط را برای رشد فزاینده‌ی اخبار و متون داستانی - به خصوص وقتی به نظم هم در می‌آید - فراهم می‌کند.

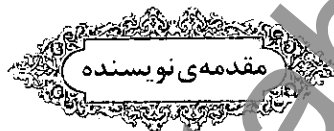
آنچه می‌تواند در برابر این حرکت بایستد، تألیف آثاری است که هم‌زمان هم تاریخی و دقیق باشد و هم همراه با عواطف و احساسات مردم.

امیدوارم این اثر در این چهارچوب بوده باشد و بتواند گامی برای ترویج حدیث صحیح عاشورایی میان مردم خوب ما باشد.

تهران

مردادماه ۱۳۹۲





بسم رب الشهداء

حمد و سپاس خدای را که توفیق خدمت در دستگاه قدسی سالار شهیدان را به ما ارزانی داشت و وجود ناقابل ما را قابل این ساحت ملکوتی قرار داد.

از مسائل بسیار مهم در فن رثا و مقتل خوانی دسترسی به منابع معتبر و معنی است که از شوایب تحریف و مغایر با محکّمات دین مصون باشد.

یکی از اساسی ترین بخش های چیدمان مدیحه سرایی و مرثیه خوانی، محتوای مدح و مرثیه آن است. توسعه ای مجالس مدح و رثای سالار شهیدان و اقبال فراوان جوانان مستعد فنون مذاحمی و مقتل خوانی، از سوی مانهی شکر و مباحثات است و از سوی دیگر، بیم این است که این جریان مبارک از داشتن محتوایی غنی و محکم خالی باشد، بر این اساس بر عالمان دینی فرض است که به این چشمه ی الهی بپیوندند و با بستر سازی مناسب از پاکی این رود خروشان محافظت نمایند، که حفظ هر واقعه و جریانی از اصل ایجاد آن همواره مشکل تر بوده است.

از جمله نقدهایی که به مجالس مرثیه خوانان عزای سیدالشهدا علیه السلام وارد می شود، ارایه شدن مقتلی غیر معتبر و

۱- رثا در لغت به معنای گریه کردن برای شخص، ذکر مصیبت او، خوبی ها و محاسنش است که گاه به صورت شعر منظوم خوانده می شود. ذکر فضایل و مناقب گل های سرسید عالم خلقت، اهل بیت عصمت و طهارت و اصحاب باوفایشان، و سوگواری برای آنها، سنتی است که پیشینه ی تاریخی اش به عصر رسول خدا (ص) می رسد. (المنجد فی اللغة، در لغت «رثا»)



غیر قابل اعتماد است.

یکی از دلایل این مسأله را می‌توان در دست نداشتن مقتلی مجمل، گویا، مختصر و مفید دانست. از سوی دیگر فراوانی مقاتل و مسبوط بودن متن عربی آنها و عدم آشنایی بعضی از مدیحه‌سرایان و مرثیه‌خوانان با این متون و درجه‌ای اعتبار آنها، زمینه‌ی آشنایی آنان را با متن منبع و مصدر تاریخی ناهموار کرده است و این نیز زمینه ساز ورود نقدهای بعدی به این جریان مبارک است.

راهکاری که در مقابل این گونه نقدها به نظر می‌رسد، نوشتن متنی کوتاه در موضوعات مورد نیاز وقایع عاشورا و برگرفته از مقاتل معتبر است که می‌تواند راه‌گشای یک مرثیه‌خوان در نیاز او به محتوای مرثیه باشد.

در دست بودن مقاتل به شکل مجلس، مجلس، که در عین اختصار، معتبر باشند اصل مسأله را بدون حشو و زوائد بیان کنند، می‌تواند کمک به سزایی به این مهم بنماید؛ البته باید این نقل‌ها به گونه‌ای بیان شود که اگر مورد اتفاق همه‌ی اصحاب تاریخ و ارباب مقاتل معتبر هم نباشد، مورد اعتنای آنان قرار گرفته باشد.

ارایه‌ی متن متقن از هر حادثه‌ی عاشورا، علاوه بر این که به مرثیه‌خوان این اجازه را می‌دهد که نظم و نثر خود را با این عبارات نقل شده درآمیزد و هر مرثیه‌خوانی را به نقطه‌ی مطلوب برساند - که هم عامه فهم باشد و هم خاصه پسند - جلو تحریف، دروغ پردازی و خرافه بافی را می‌گیرد.

در فن مرثیه‌خوانی:

هم مقتل صحیح خواندن شرط است،

و هم صحیح مقتل خواندن.

این نوشتار به مرثیه‌خوان این قدرت را می‌دهد تا بخش مقتل صحیح خواندن را استیفا کند و بخش دوم را نیز با هنر مرثیه‌خوانی فراهم آورد.

نکته‌ی قابل ذکر دیگر، خواندن بعضی از عبارات عربی مقاتل در میان خواندن مرثیه است که تأثیر به‌سزایی در روان و جان مخاطبین دارد.

در امتداد قرون متمادی شاهد بوده‌ایم که نقل بعضی از عبارات متون تاریخی گریلا هم حماسه ساز و شور آفرین بوده‌اند و هم معرفت‌زا و جان‌سوز؛ کلماتی چون:

رجز حضرت عباس (علیه السلام) که فرمود:

«وَاللَّهِ إِنْ قَطَعْتُمْ يَمِينِي، إِنِّي أَحَابِي أَبَدًا عَنْ دِينِي»

و کلماتی همانند مناجات امام حسین (علیه السلام) بعد از شهادت فرزند شیر خوارش:

«هُوَ عَلَى مَا نَزَلَ بِهِ أَنَّهُ بِعَيْنِ اللَّهِ»



و کلماتی مانند کلمات حضرت زینب(س) در مجلس این زیاد ملعون که فرمود:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا»

سال‌هاست که گوش مخاطبین مجالس عزای این عبارات و کلمات آشناست و اینها معمولاً سینه به سینه در مرثیه،

نوحه خوانی و سینه زنی به نسل کنونی رسیده است.

با این نگاه به نوشتن چهل مرثیه از مرثیه وقایع کربلا پرداختیم که در عین اختصار، برگرفته از منابع معتبری باشد که می‌توان از آنها بهره جست؛ و مسلم آن که با چهل واقعه از وقایع کربلا نمی‌توان همه‌ی حقایق آن را بازگو کرد و به نظاره نشست.

هدف دیگری که این نوشتار در پی آن است، آسان نمودن مطالعه و مراجعه‌ی اهل منبر و مرثیه است که بتوانند با صرف زمانی اندک، مقتضای معنی را در دست داشته و با ذکر منبع، آنها را رایج دهند.

برای آشنایی خوانندگان عزیز و براساس نیازی که با تأمل در حواشی مسأله‌ی مقتلنویسی و مقتلخوانی احساس شد، تصمیم گرفتیم که قبل از ورود به متن مقال شریف، با مقدمه‌ای که مطالعه‌ی آن لازم به نظر می‌رسید و جایش قبل از ورود به مقتل خالی بوده، منازل را شروع کنیم. این مقدمه یادآور نکاتی است که برای هر عاشورا پژوه و مقتلخوانی لازم به نظر می‌رسد.

نویسنده از دیرباز برای هر مجلسی که اقامه‌ی عزای می‌شود، با عنایت به نکات یاد شده، مجالسی را بدین شیوه برای خود می‌نوشت؛ تا این که با پیشنهاد چند تن از برادران خطیب و ذاکر اهل بیت (علیهم‌السلام) انگیزه‌ی این کار شکل گرفت. خطبا و ذاکرین اهل بیت (علیهم‌السلام)، با استفاده از ذوق و هنر سرشاری که خداوند تعالی به بعض از ایشان عنایت فرموده، می‌توانند شرح و تفسیری ذوقی و عرفانی بر هر منزل از این مجموعه داشته باشند. به عنوان نمونه برای آن لحظه‌ای که حضرت علی اکبر (علیه‌السلام) به محضر پدر از عطش شکوه نمود و سیدالشهدا (علیه‌السلام) از او خواست که زبان در دهان پدر بگذارد، تفاسیر مختلفی ذکر شده است.

یکی این که پدر می‌خواست از لبان پسری که هم اکنون بزرگ شده، مانند زمان کودکی و برای آخرین بار بوسه برچیند و بر این اساس به دنبال جبهه بود که این گونه علی اکبر به نزد او آمد و با این بهانه، لبان عطش‌ناک خود را بر لبان عطش‌سوز پدر گذاشت.

دیگر این که به یاد زمانی که رسول خدا(ص) زبان در دهان حسین می‌گذاشت و حسین از زبان پیامبر می‌مکید، خواست تا آن لحظات خاطره انگیز کودکی، با زبان شبه پیامبر برایش تداعی شود. تفسیر زیباتر این که، همه‌ی عالم و حتی انبیا، اوصیا و اولیا، عطش حسین (علیه‌السلام) را فقط شنیدند و گریستند، اما تنها کسی که در عالم عطش لبان و دهان حسین را از عمق جان چشید، علی اکبر بود و این، حاکی از عظمت مقام حضرت علی اکبر است.



تفاسیر دیگری از این لحظه‌ی تاریخی کربلا به ذهن‌ها می‌رسد که ذکر همه‌ی آنها مجالِ وسیع‌تر می‌طلبد و ما بر سبیل مثال بعضی از آنها را بازگو کردیم. این تفاسیر ذوقی فقط تفسیر یک گوشه از داستان شورانگیز و حماسه‌ساز کربلاست.

در سینه‌ی بسیاری از عاشقان و ارادتمندان امام حسین (علیه السلام) نسبت به تمامی لحظات تاریخ ساز کربلا تفاسیر منحصر به فرد وجود دارد که گاهی از سوی آنها در لابه‌لای خطابه‌ها و مرثیه‌خوانی‌ها بیان می‌شود و توجه به آن مطالب و جمع‌آوری آنها لطف مضاعف دارد؛ البته باید توجه داشت که این تفسیر ذوقی، مطابق اصول و ضوابط دین باشد و با اصل نقل و خبر خلط نگردد.

در پایان اقرار می‌کنیم که همه‌ی خیرات و توفیقات عوالم هستی برای همه‌ی موجودات عالم، از فیض هستی ولی‌الله اعظم «ارواحنا فداه» است و باقی همه روشن از نور آن خورشیدند و خصوصاً ایجاد جریان عاشورا و حفظ آن همواره در تدبیر دستان ولایت مطلقه‌ی سالار شهیدان «ارواحنا فداه» بوده و خواهد بود و در این حیطه، نسبت دادن هر اثری به خود، جفای به مقام منبع آن ولی خداست و هم اقرار می‌کنیم که:

در برابر سالار شهیدان که همه‌ی هست خود را فدای حضرت دوست نمود،

بضاعتی نداریم، تا غداً «یا ایها العزیز...» سر دهیم.

علی اکبر رنجبران تهرانی

تهران پنجم آذر ۱۳۹۰ ه.ش

مطابق با شب اول محرم الحرام ۱۴۳۳ ه.ق

